

نظر به هم اکنونی معاد با نگاه امام رضا «علیه السلام»

باسمه تعالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (1) وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ
أَثْقَالَهَا (2) وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (3) يَوْمَئِذٍ
تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (4) بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (5) يَوْمَئِذٍ
يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (6) فَمَنْ يَعْمَلْ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (7) وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
شَرًّا يَرَهُ (8)

1- حضرت رضا «علیه السلام» می‌فرمایند: «مَنْ أَنْكَرَ خَلْقَ
الْجَنَّةِ وَ النَّارِ كَذَّبَ النَّبِيُّ «صلوات الله علیه وآله» وَ كَذَّبْنَا وَ لَا مِنْ
وَلَايَتِنَا عَلِي شَيْئٍ وَ يَخْلُدُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ. قَالَ اللَّهُ
تَعَالَى: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ
يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ ان».

پس کسی که منکر خلقت فعلی بهشت و جهنم شود،
پیامبر و ما را تکذیب کرده است و از دوستان ما
نیست و برای همیشه در آتش است. خداوند در آیه
44 سوره الرَّحْمَنِ فرمود: این است جهنمی که
گناهکاران انکار می‌کردند و هم اکنون گناهکاران
بین آن جهنم و آبخوشان در حال طواف‌اند.

و نیز در روایت داریم که رسول خدا «صلوات الله علیه وآله»
فرمودند: در آن هنگامی که مرا در آسمان معراج
دادند من داخل بهشت شدم، دیدم در آنجا زمین‌های
بسیاری را که سفید و روشن افتاده و هیچ در
آن‌ها نیست، ولیکن فرشتگانی را دیدم که بناء
می‌سازند، یک خشت از طلا و یک خشت از نقره، و چه
بسا دست از ساختن برمی‌دارند.

من به آن فرشتگان گفتم: به چه علت شما گاهی
مشغول ساختن می‌شوید و گاهی دست برمی‌دارید؟

فرشتگان گفتند: وقتی که نفقه ما برسد ما می‌سازیم و وقتی که نفقه‌ای نمی‌رسد دست بر می‌داریم و صبر می‌کنیم تا آن‌که نفقه برسد. رسول‌خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به آن فرشتگان گفتند: نفقه شما چیست؟ گفتند: نفقه ما گفتار مؤمن است در دنیا، که بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْجَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ.»

2- جهانی که در آن حاضریم به کدام سو گشوده شده تا مانند جهان حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و شهدا باشیم و در نتیجه حضور در آن جهان، غزه را درست بفهمیم و خود را در غزه بیابیم؟

3- پیشاپیش حضوری که ابدی است برای ما رخ می‌دهد، امری فوق آگاهی‌های معمولی. به همین جهت در آیه 22 سوره «ق» داریم: «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ

هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمْ فَبَصَرُكُمُ الْيَوْمَ حَدِيدٌ»، بدین معنا که در مقابل حیرت اهل قیامت جواب داده می‌شود حقیقت آن است که شما در دنیا نسبت به این جهان و این حضور، در غفلت بودید و ما از مقابل دیدگان شما پرده‌ای که خودتان در مقابل خود ایجاد کرده بودید را کنار زدیم و در نتیجه چشمان‌تان این‌چنین بینا و دقیق شد.

4- غرق در بهشت در عین حضور در دنیا، همان سخن امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» که فرمودند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.» مقابل روح صهیونیستی که باطن غرب است و مردم غرب نیز از آن روح متنفرند.

5- امکان حضور در ابدیت با تذکری است که سوره «زلزال» مقابل ما می‌گشاید.

6- در زلزله ساعت، موجی به سوی انسان می‌آید و انسان در معرض آن موجی به حضوری دیگر نایل می‌شود، در حالی جدید و میقاتی که وقت حضوری است گشوده، شور و شوقی از جنس خوشبختی برای اهل ایمان، به معنای: «خَيْرًا يَرَهُ» (زلزال/7)

7- به نگاه جناب مولوی را در غزل شماره 771 دیوان شمس تبریزی، به مرگ بنگرید به همان معنایی که چگونه انسان می‌تواند ماورای جسم و حتی نفس نباتی، مرگ را در همین دنیا تجربه کند.

هله عاشقان بکوشید که چو جسم و جان نماند
 دلتان به چرخ پَرَد چو بدن گران نماند
 دل و جان به آب حکمت ز غبارها بشوید
 هله تا دو چشم حسرت سوي خاکدان نماند
 نه که هرچه در جهانست، نه که عشق جان آنست؟
 جز عشق هر چه بینی همه جاودان نماند
 عدم تو همچو مشرق اجل تو همچو مغرب
 سوي آسمان دیگر که به آسمان نماند
 ره آسمان درونست، پر عشق را بجنبان
 پر عشق چون قوي شد غم نردبان نماند
 تو مبین جهان زیرون که جهان درون دیده‌ست
 چو دو دیده را ببستی ز جهان جهان نماند
 دل تو مثال بامست و حواس ناودان‌ها
 تو ز بام آب می‌خور که چو ناودان نماند
 تو ز لوح دل فروخوان به تمامی این غزل را
 منگر تو در زبانم که لب و زبان نماند
 تن آدمی کمان و نفس و سخن چو تیرش
 چو برفت تیر و ترکش عمل کمان نماند